

تحریری درباره آزادی دو آمریکایی

امیرفیض - حقوقدان

سمت این تحریر درجهت موقعیت حقوقی آزادی دو آمریکایی در حقوق اسلامی و آئین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی است که بعنوان جاسوس دستگیر و پس از دو سال زندان با قرار وثیقه ۵۰۰ میلیون دلاری آزاد شده اند

نخست در حقوق اسلامی

حکم قرآن که از معتبرترین منابع حقوق اسلامی است نه قابل به بازداشت دستگیرشدگان است و نه محاکمه و اتهام جاسوسی و غیره.

از آنجاکه بین جمهوری اسلامی و آمریکا حالت جنگ برقرار است و تصمیمات آمریکا در رابطه با تحریم های اقتصادی و نظامی در معنی همان محاصره است که یک عمل جنگی تلقی میگردد و در هر جنگی محاصره جزئی از نظام جنگی است لذا این افراد که آمریکایی بوده و از مشرکاتی محسوب میشوند که با مسلمانان حالت جنگ و ستیز و دشمنی دارند حتی اسارت گرفتن آنها هم باموازی اسلامی منطبق نیست و آیات قرآن و نظر مفسران دینی آن است که نباید تاخاتمه جنگ از دشمن در مقابل مسلمانان اسیر گرفت بلکه باید آنها را کشت، برداشت آنان از آیات قرآن ناظر بر این است که گرفتن اسیر بار جنگ مسلمانان را سنگین میکند بعد از جنگ و یازمانی که مسلمانان مطمئن به پیروزی هستند حق دارند مرد وزن و کودک دشمن را اسیر کنند و این اسیران است که مسلمانان حق دارند آنها را بکشند و یا استفاده کنند و یا با گرفتن فدیة آنها را آزاد نمایند (آیه ۴ سوره محمد و آیات دیگر)

در هیچیک از آیات قرآن و یاسنت محمد کوچکترین اشاره ای درباره محاکمه این قبیل افراد که نمونه صدیق آن همان سه نفر آمریکایی هستند دیده نمیشود و اینکه آیا اتهام آنان جاسوسی بوده و یا برای کوهنوری به خطه مسلمانان وارد شده اند اینها از حقوق مدرن است نه حقوق اسلامی جمهوری اسلامی به استناد با اصطلاح قانون اساسی خودش نمیتواند هم اسلامی و هم متأثر از حقوق مدرن و اعلامیه جهانی حقوق بشر باشد.

دوم از نظر آئین دادرسی جمهوری اسلامی

گرچه آئین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی به اعتبار با اصطلاح قانون اساسی آن بی اعتبار است و قانون آئین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی بیشتر اقتباس از قانون آئین دادرسی ایران شاهنشاهی و قوانین مدرن اروپایی است معهداً از آنجا که موضوع از باب حقوق اسلامی محط اظهار نظر قرار گرفت به جاست که موضع حقوقی آئین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی نیز در موقعیت سه نفر آمریکایی مزبور به قلم آید

ماده ۱۲۳ آئین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ناظر است بر اینکه > بمنظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در دادگاه و بمنظور جلوگیری از فرار و یا تبانی قاضی مکلف است که پس از تفهیم اتهام به متهم قرار صادر کند که قرار ممکن است وثیقه و یا کفالت و یا بازداشت و غیره باشد

همانطور که ماده مزبور میگوید برای جلوگیری از فرار متهم قرار صادر میشود بنابراین اگر قرآنی وجود داشته و یا قاضی علم داشته باشد که قصد متهم از سپردن وثیقه فرار از محاکمه است نمیتواند مبادرت به صدور قرار وثیقه نماید این چنین عملی در حکم معامله بامتهم است و در این مورد به اعتبار خودداری یکی از آمریکایی ها از حضور در دادگاه قاضی عالم به قصد متهمین از فرار از ایران بوده است.

دوم به اعتبار صراحت ماده مزبور قاضی باید بموازات تفهیم اتهام به صدور قرار مبادرت نماید نه پس از دو سال بازداشت متهم.

سوم اینکه آئین دادرسی کیفری مجموعه تکالیفی است که قانون برای قوه قضائیه مستقل از قوه مجریه مقرر کرده است. درحالیکه رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی میگوید «ما تابع دستورولی فقیه هستیم» تصمیم گیری درباره سه نفر مذکور با خامنه ای بوده است نه احمدی نژاد و یاقوه قضائیه و این هدیه ای است که همراه احمدی نژاد به مریکا تقدیم شده است و وثیقه ۵۰۰ میلیون دلاری هم برای ایجاد اعتبارواهی برای قوه قضائیه است و یقینا هم وصول آن به اعتبارروابط باعمان تعقیب نخواهد شد مانند خسارت وارده به ایران در اثر تهاجم عراق به ایران و اساسا وصول وثیقه مزبور هم بااشکال فراوان مواجه است از جمله اینکه قاضی باعلم به فرارمتهم از محاکمه حق صدر قراروثیقه نداشته است و عمل خلاف قانون هم ایجاد حق و تعهد نمیکند.